

جهانی شدن و سازمانهای غیردولتی

نوذر شفیی

چکیده

همانگونه که عواملی در ظهور و بروز پدیده جهانی شدن نقش داشته است، خود جهانی شدن نیز آثار و پیامدهایی را به دنبال دارد. یکی از محدود عواملی که بر جهانی شدن تأثیر دو سویه گذاشته، سازمانهای غیردولتی (N G O) است. سازمانهای غیردولتی در عصر جهانی شدن به عنوان بازیگرانی فعال وارد عرصه بین المللی شده اند و لذا در عرصه سیاست، در جهانی شدن اقتدار نقش مهمی ایفا می کنند. (تأثیر مثبت بر پیشبرد جهانی شدن). از سوی دیگر این سازمانها در عرصه اقتصاد به عنوان وجهه دیگری از جهانی شدن، محدودیتهایی را پیش روی کارگزاران جهانی شدن به وجود آورده اند. (تأثیر بازدارنده و منفی بر پیشبرد جهانی شدن). در این مقاله عمدتاً سازمانهای غیردولتی را به عنوان عاملی که بر روند جهانی شدن بویژه در حوزه سیاستگذاری جهانی تأثیرگذار است، مورد توجه قرار داده ایم.

مقدمه

جهانی شدن اصطلاحی است که بویژه در دهه ۱۹۹۰ در محافل علمی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی رواج گسترده‌ای یافت. وقتی اصطلاح جدیدی رواج و عمومیت می‌یابد بدین معنی است که تغییر و تحولات عمیقی در سطح جهان حادث شده است که آن اصطلاح می‌تواند آن تغییر و تحولات را تبیین کند؛ به‌عنوان مثال وقتی در دهه ۱۷۸۰ میلادی جر می‌بتام اصطلاح «بین‌المللی» را به کار برد، بدین دلیل بود که واقعیت جدیدی به نام دولت - ملت ظهور و بروز یافته، و برای تبیین تعاملات موجود میان دولت - ملت‌های مختلف به‌عنوان هویت‌های سیاسی جداگانه اصطلاحی تحت عنوان «روابط بین‌الملل» لازم بود تا ماهیت آن تعاملات را تبیین کند. پیش از رواج اصطلاح «روابط بین‌الملل»، بشریت در قالب جامعه ملی که توسط یک دولت سرزمینی اداره شود، سامان نیافته بود؛ به عبارت دیگر در هر مقطع تاریخی، واژگان خاصی پا به عرصه ادبیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌گذارد که بیانگر ماهیت و جوهره آن دوره تاریخی است؛ مثلاً «امپریالیسم»، واژه نمادین نیمه اول قرن بیستم و «توسعه» واژه شکل‌دهنده چارچوب مباحثات، تحلیلها و نتیجه‌گیریها در عرصه سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع در اوایل نیمه دوم قرن بیستم بود. از این دیدگاه، جهانی شدن نیز در زمره واژگانی است که بستر شکل‌دهنده ماهیت عرصه‌های گوناگون زندگی انسانی در عصر حاضر است؛ به بیان دیگر، وقتی از جهانی شدن سخن می‌گوییم بدین معنی است که در عصر حاضر تحولاتی در دنیای سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع به وقوع پیوسته است.

از جهانی شدن تعریفهای زیادی شده است. اگر بخواهیم جوهره تعاریف ارائه‌شده را استخراج کنیم و تعریف واحدی از جهانی شدن ارائه دهیم، باید بگوییم که «جهانی شدن فرایندی است که به وسیله آن روابط اجتماعی کیفیتی "بدون مرز" و "بدون زمان" به خود می‌گیرد به گونه‌ای که زندگی بشری در جهان به‌عنوان مکانی واحد شکل گرفته، انسجام می‌یابد.» در اینجا منظور از روابط اجتماعی، شیوه‌های پیچیده و بیشمار است که

جلوه‌های گوناگون تعامل و روابط انسانها را با یکدیگر به نمایش می‌گذارد. بر این اساس می‌توان ابعاد و شاخصهای جهانی شدن را به شکل زیر ترسیم کرد:

ارتباطاتی	شبکه‌های کامپیوتری، تلفن، رسانه‌های جمعی الکترونیکی، اینترنت، ماهواره، روزنامه‌های جهانی، شبکه‌های رادیو - تلویزیونی بین‌المللی و...
زیست محیطی	گرم شدن کره زمین، سوراخ شدن لایه اوزن، تخریب منابع طبیعی، گازهای گلخانه‌ای، بارانهای اسیدی، آلودگی آب رودخانه‌ها، آلودگی هوا، آتش‌سوزی جنگلها و...
فکری	افزایش خودآگاهیها، تشابه و قرابت اندیشه‌ها، شکل‌گیری پدیده‌ای به نام شهر وندان جهانی و...
نرمها	حقوق بین‌الملل، حقوق بشر، دمکراسی، کنترل جمعیت، خلع سلاح، مبارزه با تروریسم و...
تولیدی	کارخانه‌های جهانی، میکروالکترونیک، پردازش مواد، آماده‌سازی اجزاء، کنترل کیفیت، تقسیم کار جهانی و...
اقتصادی	افزایش حجم مبادلات، سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم، جابه‌جایی نیروی کار، گسترش شبکه حمل و نقل، خصوصی‌سازی، تشابه مصرف، تجارت الکترونیک، آزادسازی تجاری و...
نظامی	موشکهای قاره‌پسما، هواپیماهای مافوق صوت، ماهواره‌های تجسس، جنگ الکترونیک و...
سازمانی	کمپانیها، شرکتهای انجمنها، سازمانهای برون مرزی، پیمانهای سیاسی، اتحادیه‌های اقتصادی، سازمانهای بین‌المللی و...

در این مقاله، عمدتاً توضیح و تشریح بعد سازمانی جهانی شدن مدنظر است؛ به عبارت دیگر هدف این است که تأثیر جهانی شدن را بر سازمانهای غیردولتی به عنوان وجهی از بعد سازمانی جهانی شدن توضیح دهیم. به دو شکل می‌توان رابطه سازمانهای غیردولتی و جهانی شدن را تبیین کرد.

الف) نگاه از پایین به بالا: از این دیدگاه، سازمانهای غیردولتی در نتیجه کارکرد جهانی شدن، که در شکل سلطه اقتصاد (شرکتهای چندملیتی) و سیاست (حکومتها) ظهور و بروز یافته است، توسعه و تکثیر پیدا کرده‌اند.

ب) نگاه از بالا به پایین: از این منظر به موازات رشد و توسعه پدیده جهانی شدن، ساختارهایی مثل سازمانهای غیردولتی شکل گرفته است تا در بعد تصمیم‌گیری، تأثیری جهانی بر جاگذارند.

وجه اشتراک دو دیدگاه این است که سازمانهای غیردولتی به بازیگرانی فعال و مؤثر در تصمیم‌گیری جهانی مبدل شده‌اند که فرایند تصمیم‌گیری را از حالت عمودی (توسط دولتها و شرکتهای) به حالت افقی (شرکتهای، دولتها، سازمانهای بین‌المللی دولتی، سازمانهای بین‌المللی غیردولتی و...) تبدیل می‌کنند.

سازمانهای غیردولتی انواع مختلفی دارند. در کنار سازمانهای غیردولتی بزرگی که به مسائلی همچون حقوق بشر، محیط زیست و آزادی بشری توجه دارند، سازمانهای غیردولتی دیگری وجود دارند که در حوزه‌های کوچکتری مثل مواد شیمیایی، بخشهای مذهبی و نظارت بر زندگی پرندگان فعالیت دارند. در ضمن بعضی از سازمانهای غیردولتی، فوق‌العاده مستقل هستند؛ بعضی دیگر به آفرینندگان حکومتهای فاسد معروفند؛ بعضی به فعالیتهای تجاری مشغولند و بعضی نیز بدون کمترین منافعی برای رسیدن به اهداف عام‌المنفعه و خیرخواهانه فعالیت می‌کنند. همچنین بعضی از سازمانهای غیردولتی دارای ده‌ها هزار عضو در سراسر جهان، و بعضی دیگر فقط دارای یک یا دو عضو است. برخی از آنها تمرکزگرا و دارای دفترهای مرکزی بزرگی هستند و بعضی دیگر بسیار تمرکززدا و پراکنده‌اند. بعضی دارای گرایشهای چپ افراطی و بعضی فوق‌العاده راست‌گرا و بعضی نیز میانه‌رو هستند. با این همه تنوع و تکثر، تعمیم سازمانهای غیردولتی به همه سازمانها کاری بس خطرناک و گمراه‌کننده است. در این مقاله، منظور از سازمانهای غیردولتی، سازمانهایی است که دارای سه ویژگی اساسی باشد:

- ۱- مستقل باشد.
- ۲- عضویت در آنها داوطلبانه باشد.
- ۳- به نمایندگی از مردم سخن بگوید (در مقابل دولتها و شرکتهای).

بخش اول: جایگاه سازمانهای غیردولتی در سیاستگذاری جهانی

رئالیستها سیاستهای بین‌المللی را به دو دسته تقسیم می‌کنند: سیاست بالا (High Politics) که مربوط به صلح و امنیت و در قلمرو اتحادیه‌های نظامی و دیپلماسی سازمان ملل قرار دارد. سیاست پایین (Low Politics) که در قلمرو بعضی از زیرمجموعه‌های سازمان ملل، سازمانهای بین‌المللی دولتی و غیردولتی قرار دارد.

ابعاد	سیاست بالا	سیاست پایین
مسائل سیاسی	صلح و امنیت	مسائل اقتصادی، اجتماعی، حقوق بشر، محیط زیست و...
تصمیم‌گیری	سران حکومتها و مقامات عالی‌رتبه	مقامات رسمی و دون‌پایه
مشارکت بازیگران غیردولتی	بسیار کم، مگر به نمایندگی از دولتها	فعالیت وسیع NGO ها، شرکتهای فرامصلبتی، سازمانهای بین‌الدولی، سازمانهای غیردولتی
نوع موقعیت	بحرانها و مسائل با اولویت زیاد	فعالتهای روزمره و مسائل با اولویت کم

در باره این نمودار دو نکته را باید یادآور شد: اول اینکه این تقسیم‌بندی کار رئالیستهاست و پلورالیستها این تقسیم‌بندی را قبول ندارند. دوم اینکه اگر چه این تفکیک و تقسیم‌بندیها به لحاظ نظری ساده است، در عمل دشواریهایی را به دنبال دارد؛ زیرا سازمانهای غیردولتی مثل صلیب سرخ، گروه‌های مذهبی و سایر سازمانهای غیردولتی در مذاکراتی همچون خلع سلاح و کنترل تسلیحات شرکت می‌کنند و تأثیرگذار نیز هستند. بنابر این باید گفت که بازیگران سیاست جهانی، متعدد و دامنه

فعالیت آنها نیز متنوع است. در واقع ما از نظام دولت - مرکز به سوی مدل پلورالیسم در حرکتیم؛ یعنی حکومتها و بازیگران فراملیتی به طور دوجانبه و چندجانبه با یکدیگر در تعامل هستند. بازیگرانی که در دنیای جهانی شده وارد فرایند سیاستگذاری جهان شده‌اند از منابع مختلفی تغذیه، و اهداف خاصی را دنبال می‌کنند. با وجود این، برعکس دیدگاه رئالیستها، قابلیتها، میزان نفوذ و تأثیرگذاری را تعیین نمی‌کند. تشریح نتایج، مستلزم بررسی این نکته است که آیا منابع بازیگران با اهداف آنها متناسب است یا خیر و آیا بین اهداف بازیگران مختلف، درجه‌ای از تباین و اختلاف وجود دارد خیر؟

حکومتها معمولاً با توانایی نظامی و اقتدار قانونی شناخته می‌شوند. آنها همچنین ممکن است دارای موقعیت خوبی بوده، کنترل منابع اقتصادی را در دست داشته، از اطلاعات ویژه برخوردار بوده و به ارتباطات دسترسی داشته باشند. اما همه این چهار قابلیت (قدرت نظامی، اقتصادی، اطلاعاتی و ارتباطاتی) می‌تواند بین بازیگران فراملیتی و سازمانهای بین‌المللی تقسیم شود. در فرایند مباحث سیاسی، چیزهای دیگری نیز حیاتی است: توانایی برقراری ارتباط به شیوه‌ای که توجه و احترام بازیگران دیگر را در پی داشته باشد. این مهم با دسترسی به موقعیت و منابع (از طریق رسانه‌های خبری، سخنرانیهای قبل از ملاقات رسمی، در خلال مذاکرات یا هنگام لابی) امکانپذیر است. در حالی که بعضی از رؤسای جمهور، نخست‌وزیران و یا سایر مقامات رسمی در برقراری رابطه ناکام می‌مانند، بعضی از فعالان NGOها براحتی می‌توانند به این منابع و موقعیتها دسترسی پیدا کنند. در واقع، اگر قدرت برحسب توانایی نظامی تعریف شود، حکومتها در درجه اول قرار می‌گیرند. اگر قدرت برحسب توانایی اقتصادی تعریف شود، شرکتهای چندملیتی (T.N.C) وجه غالب را دارا خواهند بود و اگر قدرت برحسب دسترسی به موقعیت، اطلاعات و مهارتهای ارتباطی تعریف شود، NGOها و سازمانهای بین‌المللی اهمیت ویژه‌ای می‌یابند و بدین وسیله خواهند توانست در حمایت از ارزشها و اعمال نفوذ بر دولتها بسیج شوند.

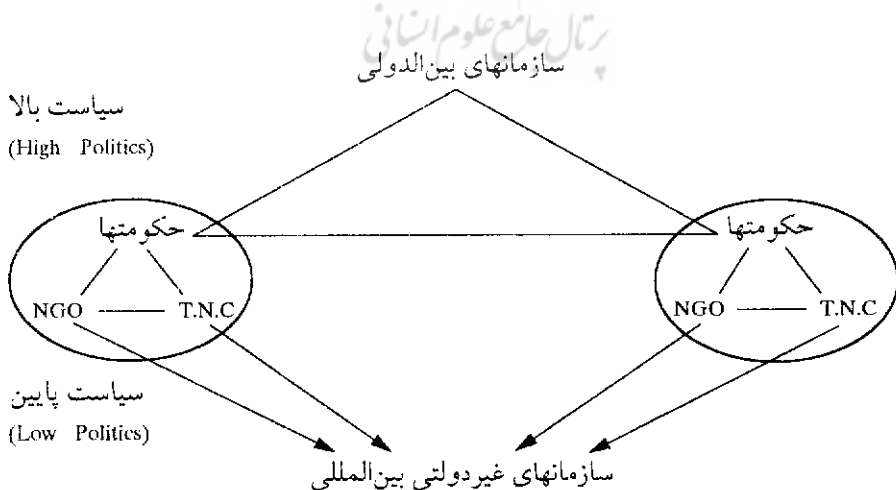
انواع اقتدار، موقعیت، اطلاعات و مهارتهایی که به موفقیتهای سیاسی منجر می‌شود،

جزو موضوعات خاص است. (Issue - Specific)؛ یعنی از مسأله‌ای تا مسأله‌ای دیگر فرق می‌کند. از این دیدگاه هر یک از بازیگران نظام بین‌الملل (حکومتها، شرکتهای چندملیتی، NGOها و سازمانهای بین‌المللی) برحسب موضوع یا مسأله‌ای که دنبال می‌کنند تواناییهای متفاوت خواهند داشت. جدول شماره ۲ بیانگر این نکته است که سیستم بین‌المللی واحدی که نزدیک به ۲۰۰ دولت در آن عضو باشد، وجود ندارد. اما قلمرو سیاستگذاران متعدد است و هر یک از بازیگران دارای حوزه‌های متمایز و خاص خود هستند. دولتها نقش خاصی در ارتباط با قلمروهای مختلف دارند؛ زیرا عضویت در سازمان ملل، حکومتها را ملزم می‌سازد تا در بیشتر مسائل در سیاستگذارانها شرکت کنند و به آن رأی بدهند. در عمل آنها دارای موقعیت و مرکزیت متزلزله‌تری نسبت به آن چیزی هستند که در سازمان ملل ظاهر می‌شوند. زیرا دستگاههای مختلف حکومتها، مسائل مربوط به سیاستگذارانهای مختلفی را اداره می‌کنند. این در حالی است که مثلاً سازمان عفو بین‌الملل (مسأله حقوق بشر) و صلح سبز (محیط زیست) در قلمرو خاصی فعالیت دارد. آنچه سازمانهای غیردولتی را در موقعیت مرکزی و مهمی قرار می‌دهد، تخصص و مهارت آنهاست. تخصص، موقعیت خوب و برتر را به وجود می‌آورد؛ دستیابی به اطلاعات را امکانپذیر می‌سازد و مهارتهای ارتباطی را تقویت می‌کند. این قابلیتها و تواناییها، دولتها را که بر منابع نظامی و اقتصادی کنترل دارند به چالش می‌طلبد.

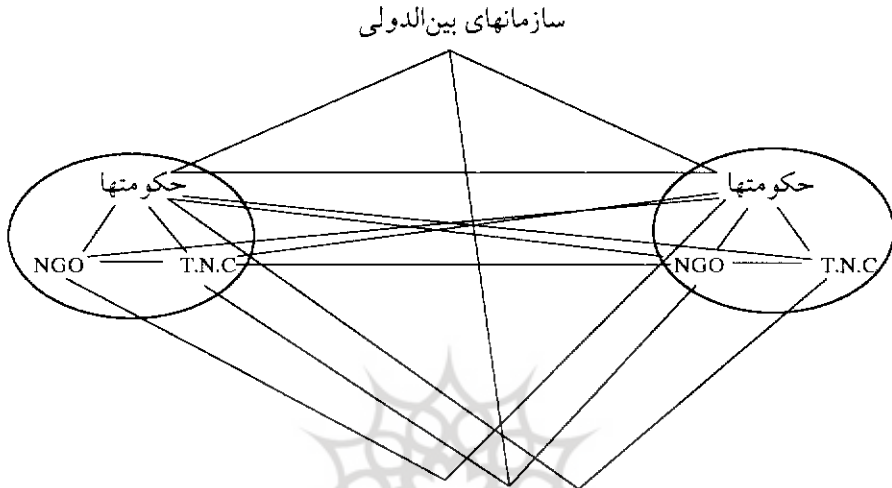
در سیاست داخلی و جهانی، جامعه مدنی (سازمانهای غیردولتی)، منبع تغییر و تحول است. کمپانیها و شرکتهای چندملیتی، تغییر و تحول اقتصادی به وجود می‌آورند و سازمانهای غیردولتی، منبع عقاید و ایده‌های جدیدی برای اقدام و عمل سیاسی هستند. هر دو مورد اقتصاد و سیاست ممکن است تحت کنترل نسبی حکومتها باشند. در موقعیت استثنایی مثل جنگ و یا در وضعیت رهبری استثنایی، حکومتها می‌توانند منبع تغییر باشند. با این حال، این سازمانهای غیردولتی هستند که پویاییهای سیاست را به وجود آورده، فراهم می‌کنند. امپراتوریهای اروپایی توسط جنبشهای ناسیونالیستی که از

حمایت قضات، ژورنالیستها، اتحادیه‌ها و کلیساها برخوردار بودند، تجزیه شدند. دموکراسی و حقوق بشر به وسیله گروه‌های طرفدار زنان، اقلیتهای قومی و نژادی و نیز گروه‌های مخالف، توسعه پیدا کردند. محیط زیست در نتیجه اقدامات گروه‌های سبز، گروه‌های بهداشتی و هشدار دانشمندان درباره خطرات ناشی از تغییرات اکوسیستم، حفظ شده و ارتقا یافته است. شروع جنگ سرد، به طور ساده به شکل‌گیری ائتلافهای نظامی منجر نشد: جنگ سرد محصول مبارزه سیاسی کمونیسم به عنوان جنبشی فراملی بر ضد تقاضاها و مطالبات فراملی دموکراسی، کلیسای کاتولیک و ناسیونالیسم بود. مسابقه تسلیحاتی و تشنج‌زدایی مبارزه‌ای بین کارخانجات تولید تسلیحات و جنبشهای صلح بود که برای دانشمندان این دو پدیده، ارزش و اهمیت حیاتی داشت. پایان جنگ سرد ناشی از شکست اقتصادی در درون کشورهای کمونیستی و ناکامی سیاسی در واکنش به تقاضاهای اتحادیه‌ها، طرفداران حقوق بشر، کلیساها و طرفداران محیط زیست بود. تمامی تحولات و حوادث قرن بیستم در نظام سیاسی پیچیده و پلورالیسم حادث شد. نمودارهای زیر، بازیگران اصلی سیاست بین‌الملل را در دو حالت ارتدوکسی و طیف کامل ارتباطات بین‌المللی ترسیم کرده است:

الف) نمودار دیدگاه ارتدوکسی درباره روابط بین‌الملل



(ب) نمودار طیف کامل ارتباطات بین‌المللی



سازمانهای بین‌المللی غیردولتی خالص
سازمانهای بین‌المللی غیردولتی همپوش

در توضیح این نمودار باید گفت سازمانهای بین‌المللی اساساً به چند دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

الف) سازمانهای بین‌الدولی (IGO): اینها سازمانهایی هستند که با عضویت حقوقی و رسمی چندین دولت تشکیل می‌شود و معمولاً نمایندگان رسمی دولتها در آنجا دست به اتخاذ تصمیم می‌زنند. در عمل سازمانهای بین‌الدولی علاوه بر دولتها دارای اعضای در میان جنبشهای آزادیبخش و سرزمینهای مستعمره است.

ب) سازمانهای بین‌المللی: نهادی است که با عضویت رسمی بیش از سه دولت ایجاد شده است.

ج) سازمانهای غیردولتی بین‌المللی (INGO): سازمان بین‌المللی است که عضویت در آن برای تمامی بازیگران فراملی آزاد است. با این حال، این سازمانها عمدتاً از طریق گردهمایی سازمانهای غیردولتی، که در سطح ملی، محلی و بین‌المللی عمل می‌کنند،

تشکیل می‌شود؛ به عنوان مثال عفو بین‌الملل به عنوان یک سازمان غیردولتی بین‌المللی دارای شعبه‌هایی در کشورهای مختلف است که این شعبه‌ها عمدتاً از گروه‌های ملی و محلی همان کشورها به وجود آمده است. INGO ها همچنین می‌توانند از میان احزاب سیاسی و کمپانیها عضوگیری کنند.

د) سازمانهای بین‌المللی غیردولتی همپوش (Hybrid INGO): درست مثل حکومتها که IGO ها را تشکیل می‌دهند و مثل NGO ها که INGO ها را تشکیل می‌دهند هر دو می‌توانند سازمانهایی را تشکیل دهند که هر یک می‌تواند عضو آن باشد. این پدیده تقریباً ناشناخته و غریبی است زیرا واژه انگلیسی که بتواند این‌گونه سازمانها را تشریح و تبیین کند، وجود ندارد. علت این ابهام آن است که ما ممکن است یک سازمان را NGO بخوانیم حال اینکه عمل دیپلماتیک آن جنبه غیردولتی داشته باشد. همین‌طور بعضی از سازمانهای غیردولتی ممکن است موضوعاتی تقریباً مشابه ولی در عین حال با اهداف متفاوت را تحت پوشش قرار دهد.

بخش دوم: شبکه‌های ارتباطی سازمانهای غیردولتی

برای هزاران سال، مردم به ارتباطات راه دور نیازی نداشتند زیرا آنها بسیار نزدیک به یکدیگر زندگی می‌کردند. شعاع زندگی روستاییان قرون وسطایی در مجموع کمتر از ۲۵ مایل بود. حتی در آغاز قرن بیستم حداکثر شعاع زندگی برای مردم، کشور خودشان بود و فقط از طریق مسافرت از جهان خارج اطلاع پیدا می‌کردند. امروزه، تکنولوژی ارتباطاتی، بخشهای مختلف جهان را به یکدیگر پیوند زده است. بدیهی است در میان تکنولوژیهای ارتباطی، شبکه‌های الکترونیکی از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است. امروزه، محدودیتهای جغرافیایی و سرزمینی هیچ مانعی را برای برقراری ارتباط و گفتگو ایجاد نمی‌کند. ابزار و وسایل پیشرفته‌ای همچون نامبر، تلفن، و انتشارات بین‌المللی، روابط حرفه‌ای و شخصی میان افراد و گروه‌ها را بدون توجه به

عنصر زمان و مکان، آسان کرده است. روابط ارتباطاتی از حالت مکانی و زمینی خارج شده و شکل فضایی پیدا کرده است. امروزه، همه ما عضو جامعه بدون مکان جهانی هستیم. (Global NON-Place Community)

توسعه تکنولوژیهای ارتباطاتی، در سطح وسیعی، سازمانهای غیردولتی را به سوی ایجاد شبکه‌ها و ائتلافهای جدید سوق داده است. در گذشته، تعاملات ارتباطاتی معمولاً در میان دولت - ملتها، امپراتوریهای استعماری، اقتصادهای منطقه‌ای، و اتحادیه‌ها مثل اروپای قرون وسطی، جهان عرب، چین و ژاپن، پادشاهی‌های آفریقای غربی و... شکل می‌گرفت اما امروزه نیروی جدید و قدرتمندی در سطح جهان ظهور و بروز یافته که جلوه‌های آن را در جنبش حمایت از محیط زیست، جنبش حمایت از حقوق بشر، مبارزه علیه تجارت اسلحه، آژانسهای خبری بدیل (Alternative News Agencies) و شبکه‌های کامپیوتری جهانی شاهد هستیم. با وجود این، در حوزه ارتباطاتی و اطلاعاتی، سازمانهای غیردولتی با دو مسأله بنیادی روبه‌رو هستند:

الف) انحصاری شدن اطلاعات و ارتباطات جهانی توسط شرکتهای چندملیتی

ب) شکاف فزاینده میان مردم کشورهای بهره‌مند از اطلاعات و کشورهای خالی از اطلاعات (شکاف دیجیتالی).

شبکه کامپیوتری جهانی ابزاری برای فائق آمدن بر مسأله اول و فراهم‌کننده راه حل تکنولوژیکی برای غلبه بر مسأله دوم است. با این حال سازمانهای غیردولتی هنوز نتوانسته‌اند از این ابزار در جهت پیشبرد اهداف خود، بهره کافی را ببرند. علت این است که حکومتها هنوز کنترل مؤثری بر بخش مهمی از امواج هوایی جهانی و جریان ارتباطات تلفنی اعمال می‌کنند. از این بدتر اینکه شرکتهای فراملیتی نیز بر اغلب رسانه‌های گروهی جهان سلطه دارند. اگر روندهای جاری و کنونی ادامه یابد پنج تا ده شرکت بر اغلب روزنامه‌ها، مجلات، کتابها، ایستگاه‌های رادیو - تلویزیونی، فیلمها، نوارهای ضبط و ویدئو اعمال کنترل خواهند کرد.

زیرساختهای ارتباطات تلفنی و شبکه‌های اطلاعات نیز مشمول این وضعیت تاریک

شده‌اند. امروزه مالکان و اربابان دهکده جهانی شرکت‌های بزرگی هستند که بر افکار و عقاید، فرهنگ و تجارت مردم اعمال قدرت هژمونی می‌کنند. نه قیصر و نه هیتلر، نه فرانکلین روزولت و نه پاپ هیچ‌کدام نمی‌توانند به اندازه اربابان و مالکان رسانه‌ها بر نحوه رأی دادن، انتخاب کردن، و حتی غذا خوردن مردم تأثیر بگذارند. چرا چنین اتفاقی رخ می‌دهد؟ بنیادترین دلیل، این است که شرکتها بر تولیدات رسانه‌ای و پخش آنها در شکل امپراتوری بزرگ کنترل دارند. معمولاً بیش از $\frac{1}{3}$ نیروی کار ایالات متحده در حال حاضر درگیر اطلاعات مربوط به شغل خود هستند. تقریباً نیمی از تولید ناخالص ملی (NGP) چهارده کشور صنعتی و $\frac{1}{4}$ کل تجارت بین‌الملل مربوط به خدمات اطلاعاتی و ارتباطاتی است. سرویسهای ارتباط تلفنی در دهه ۱۹۸۰ حدود ۸۰۰٪ رشد داشته است. براساس گزارشهای یونسکو درآمدهای حاصل از خدمات ارتباطی و اطلاعاتی در سال ۱۹۸۹ حدود ۱۱۸۵ میلیارد دلار بوده که ۸ تا ۹ درصد کل درآمد جهانی را شامل می‌شود. از این میزان ۵۱۵ میلیارد دلار آن به ایالات متحده آمریکا مربوط است. رشد بخش خدمات اطلاعاتی و ارتباطاتی در حال افزایش است و جای تعجب نخواهد بود که فقط چند شرکت معدود بر کل جریان اطلاعات جهان سلطه دارند. در حالی که بیش از یکصد آژانس خبری در سراسر جهان وجود دارد، فقط پنج خبرگزاری آسوشیتد پرس، یونایتد پرس، رویتر، فرانس پرس، و تاس بر حدود ۹۶٪ جریان خبری جهان سلطه دارند.

همین‌طور شرکت‌هایی مثل IBM و H.R بر بخش وسیعی از بازار اطلاعات نوارهای ویدیویی کنترل دارند. در نتیجه کنترل شرکت‌های فراملی بر اطلاعات، جنبش سازمانهای غیردولتی با شکاف فزاینده‌ای بین مردم غنی از اطلاعات و مردم فقیر از اطلاعات روبه‌رو هستند. هرچه زمان می‌گذرد این شکاف شکل غمگینانه‌تری به خود می‌گیرد. ۹۵٪ کامپیوترهای جهان در کشورهای توسعه‌یافته است. در حالی که کشورهای در حال توسعه $\frac{1}{3}$ جمعیت جهان را در خود جا داده‌اند، آنها فقط مدیریت ۳۰٪ روزنامه‌های جهان را در دست دارند. حدود ۶۵٪ مردم جهان با کمبود شدید کتاب

روبه‌رویند. تنها کشور جهان سومی که شمار سرانه روزنامه، رادیو و سینمای آن با استانداردهای یونسکو همخوانی و مطابقت دارد، کوبا است. فقط ۱۳ کشور جهان تولید ناخالص بیشتری از کل هزینه‌های تبلیغاتی آمریکا را دارند. آمریکا و کشورهای مشترک‌المنافع فقط با ۱۵٪ جمعیت جهان، بیش از ۵۰٪ مدار جغرافیایی ثابت را دارند. (Geostationart Orbit). جهان سوم کمتر از ۱۰٪ مدار جغرافیایی ثابت دارد. کشورهای توسعه‌یافته با ۲۰٪ جمعیت جهان $\frac{3}{4}$ کل خطوط تلفنی را به خود اختصاص داده‌اند. ایالات متحده دارای خطوط تلفنی بسیار بیشتر از آسیاست. هلند نیز از کل آفریقا بیشتر خطوط تلفنی دارد. ایتالیا از آمریکای لاتین و ژاپن نیز از کل آفریقا بیشتر خطوط تلفنی دارد. حتی در داخل ایالات متحده، مردم غنی از اطلاعات و مردم فقیر از اطلاعات وجود دارد. عده کثیری در جهان هستند که نه توانایی خواندن و نوشتن دارند و نه به کامپیوتر، روزنامه، کتاب و سایر وسایل ارتباطی و اطلاعاتی دسترسی دارند.

در مقابل این روندهای دوگانه که با اعمال کنترل زیاد بر وسایل ارتباطی و اطلاعاتی، به نوعی جامعه مدنی و سازمانهای غیردولتی را تهدید می‌کند، شبکه‌های کلان و گسترده‌ای از تکنولوژی تمرکززدا مثل کامپیوتر، نمابر، رادیو، ماهواره‌های اطلاعاتی، V.C.R، ویدئو، دوربین و... پایه عرصه ظهور گذاشته‌اند. وقتی واژه تمرکززدا را به کار می‌بریم منظورمان این است که این ابزار و وسایل، جریان اطلاعات را دمکراتیزه می‌کنند، سلسله مراتب قدرت را درهم می‌شکنند و ارتباطات را زیر و زیر و از حالت عمودی به افقی درمی‌آورند. برای اولین بار در تاریخ، نیروهای صلح و حفظ محیط زیست به ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی، که قبلاً در کنترل دولتها و شرکتهای چندملیتی بود، دسترسی پیدا کرده‌اند. تاریخ انجمن ارتباطات پیشرفته (A.P.C) به سال ۱۹۸۴ برمی‌گردد؛ زمانی که مؤسسه ارتباطاتی آرک (Ark)، مرکز دیپلماسی خلاق (C.A.D)، جامعه پردازش اطلاعات (C.D.P) و بنیاد هنرهای صلح (F.A.D)، همگی در سانفرانسیسکو گرد هم آمدند و شبکه‌ای تحت عنوان «شبکه صلح» به وجود آوردند. از آن هنگام به بعد، اولین شبکه کامپیوتری جهان در خدمت نیازهای این جنبش قرار

گرفت تا پاسدار صلح، حقوق بشر و عدالت اجتماعی باشد. در سال ۱۹۸۷ «شبکه صلح» به دو شاخه یعنی بنیاد تیدز (Tides Foundation) و مؤسسه ارتباطاتی جهانی (I.G.C) تقسیم شد که هر دو با یکدیگر هماهنگ عمل می‌کردند.

به موازات این، در سال ۱۹۸۲ مؤسسه فارالونز (Farallones Institution)، شبکه محیط زیست (ECO Net) را برای حفاظت و پایداری محیط زیست به وجود آورد. در سال ۱۹۸۷ مؤسسه فارالونز شبکه «اکونت» را به شکل جدید آن یعنی مؤسسه ارتباطاتی جهانی (I.G.C) درآورد. در سال ۱۹۹۰ مؤسسه دیگری به نام شبکه منازعه (Conflict Net) به وجود آمد که حل مسالمت‌آمیز اختلافات، میانجیگری و داوری را در دستور کار قرار داد و به (I.G.C) ملحق شد. این سه شبکه یعنی ECO Net، Conflict Net و Peace Net مجموعاً شبکه‌ای را به وجود آوردند که امروزه I.G.C یا مؤسسه ارتباطات جهانی نام دارد. این شبکه بزرگترین سیستم کامپیوتری را در خدمت صلح، حقوق بشر و محیط زیست به کار گرفته است.

به موازات شکل‌گیری این شبکه در آمریکا، مؤسسه ارتباطاتی جهانی (I.G.C) شاخه‌های خود را گسترش داد و شاخه جدیدی به نام گرین نت Green Net را در لندن ایجاد کرد. در دسامبر ۱۹۸۹، «لیتل استون» و «پیتر گابریل» دو کنسرت صلح دریایی را در توکیو به نمایش گذاشتند. بنابر این می‌توان گفت ایده شبکه جهانی برای صلح، حقوق بشر و محیط زیست در سال ۱۹۸۷ و در هتل پیتر گابریل در نیویورک متولد شد؛ یعنی زمانی که پیش‌نویس منشور شبکه کامپیوتری جهانی در آنجا تدوین شد.

با این‌انگیزه‌ها، در سال ۱۹۸۷، گرین نت و I.G.C به هم ملحق شدند و بدین ترتیب شبکه الکترونیک فراملی توانست در خدمت این مجموعه‌ها درآید. این پیوند فرا آتلانتیک آنقدر موفقیت‌آمیز بود که با حمایت بنیاد مک آرتور، فورد، خدمات عمومی و برنامه توسعه سازمان ملل، I.G.C توانست به ایجاد پنج شبکه دیگر در سوئد، کانادا، برزیل، نیکاراگوا و استرالیا مبادرت ورزد. این روند سریعاً در سال ۱۹۹۰ به پیدایش انجمن ارتباطاتی پیشرفته A.P.C منجر شد که هماهنگی عملیات جهانی را در

حوزه‌های یادشده به عهده داشت. امروزه بیش از ۱۵ هزار مشترک و امضاکننده در ۹۰ کشور جهان از طریق کامپیوترهای شخصی و با هزینه‌های بسیار کم با این شبکه‌ها در ارتباط هستند. این گروه‌ها نقش و عملکرد سازمانهای غیردولتی را در زمینه‌هایی مثل عفو بین‌الملل، دوستان کره زمین، اکسفام، صلح سبز و بسیاری از اتحادیه‌های کارگری نهادینه کرده‌اند.

اعضای A.P.C بر این باورند که محلی عمل می‌کنند اما جهانی فکر می‌کنند. امروزه A.P.C دارای شبکه‌های مشترکی در ایالات متحده، نیکاراگوئه، برزیل، استرالیا، انگلستان، کانادا، سوئد، اروگوئه، کاستاریکا، چک، اسلواکی، بولیوی، کنیا و دیگر کشورهای جهان است.

A.P.C همچنین دارای شبکه‌هایی در کوبا است و طی سه دهه گذشته فراهم‌کننده جریان آزاد اطلاعات بین آمریکا و کوبا بوده است.

شبکه‌های A.P.C هم اکنون می‌توانند پست الکترونیکی کامل و سیستم کنفرانسی در مقیاس کوچک، با هزینه کم اما با تکنولوژی پیشرفته را در اختیار مشترکان خود قرار دهد. در حال حاضر مشترکان A.P.C می‌توانند از طریق تلفن، پست الکترونیکی و کامپیوترهای شخصی با شبکه A.P.C ارتباط برقرار کنند. پیامهایی که بین شبکه‌های A.P.C رد و بدل می‌شود می‌تواند ظرف ۲ تا ۴ ساعت در میان تمام شبکه‌ها توزیع و مبادله شود. این پیامها از طریق تمایر، تلکس، مراکز تجاری و بازرگانی همچون دیال کام، (Dial com) و شبکه جغرافیایی (GeoNet) و یا شبکه‌های دانشگاهی همچون Earn، BitNet، JaNet، USNet و UUCP ارسال می‌شود. بدین ترتیب هر یک از مشترکان A.P.C و یا افراد عادی می‌توانند با ابزارهای ارتباطی مختلفی که در اختیار دارند خصوصاً از طریق پست الکترونیک (Emale) پیامهای خود را به یکی از شبکه‌های A.P.C مخابره کنند. سپس این پیام میان شبکه‌های مختلف A.P.C رد و بدل می‌شود و آنگاه این شبکه، پیام مذکور را برای مشترکان خود در سراسر جهان ارسال می‌کند و موجی از پدیده‌ای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، زیست محیطی و... را به وجود

می آورد.

علاوه بر پست الکترونیکی، شبکه‌های A.P.C. بر حدود ۹۰۰ کنفرانس الکترونیکی نظارت دارد. هر یک از این کنفرانسها از طریق جعبه‌های پستی جمعی، بر روی تمامی کاربرها و استفاده‌کنندگان باز است. کنفرانس کمک به زیمبابوه از جمله این کنفرانسها بود. در این کنفرانس هر یک از مشترکان دیدگاه‌ها و کمکه‌های خود را در اختیار A.P.C. قرار می‌دادند. اینجاست که مردم می‌توانند از حوادث و رخدادها اطلاع حاصل کنند؛ پیشنهادهایی را مطرح سازند؛ اطلاعات حیاتی و مؤثر را نشر دهند و به جدیدترین اطلاعات دسترسی پیدا کنند. کنفرانسهای A.P.C. در عین حال چندین منبع عمده نشر خبر را به خدمت گرفته که عبارت است از اینترنت پرس (بزرگترین آژانس خبری در جهان سوم)، سرویس اخبار محیط زیست واقع در ونکور کانادا، سرویس اخبار و اطلاعات سازمان ملل در نیویورک، سرویس اخبار و اطلاعات آمریکای لاتین واقع در اسپانیا و اکوادور، آلترنت واقع در واشنگتن دی سی، مسکونیوز (روسیه و انگلستان)، سرویس خبری آزاد مستقر در کمبریج، سرویس خبری پاسیفیک واقع در سانفرانسیسکو، سرویس دیدبان جهانی واقع در مادیسون، سرویس اخبار یوگوفاکس واقع در لندن. اولین تأثیر این تکنولوژی تمرکززدای بر سیاست بین‌الملل در سال ۱۹۸۹ اتفاق افتاد؛ یعنی وقتی دولت چین فاجعه «تیان آن من» را به‌وجود آورد و عده زیادی از دانشجویان چینی را قتل عام کرد، در آن هنگام بلافاصله گزارشهای متعددی درباره این حادثه از طریق نامبر، تلفن و شبکه‌های کامپیوتری به سراسر جهان مخابره شد. مخالفان این اقدام دولت چین، نشسته‌های اعتراض آمیزی را برپا کردند و از دولتها و سازمانهای بین‌المللی خواستند دولت چین را تحت فشار قرار دهند. در پی این اقدام، دولت چین سعی کرد ارتباط تلفنی را به خارج قطع کند و شبکه‌های کامپیوتری را تحت کنترل و نظارت درآورد تا امکان ارتباط فعالان حقوق بشر و مشترکان A.P.C. با جهان خارج قطع شود.

مثال دیگر، جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ است؛ جایی که شبکه‌های کامپیوتری

همچون «PeaceNet» و زیرمجموعه‌های آن در A.P.C به گونه‌ای فعال با آن برخورد کردند. در حالی که کانالهای اصلی ارتباطات توسط پنتاگون سانسور و بلوکه شده بود، شبکه‌های A.P.C گزارشهای دقیقی از تأثیر جنگ خلیج فارس بر جهان سوم، اسرائیل، کشورهای عرب و جنبشهای جهانی ضد جنگ مخابره می‌کرد.

هنگامی که کودتا در اگوست ۱۹۹۰ در اتحاد شوروی به وقوع پیوست، مشترکان A.P.C خطوط تلفنی را به منظور اعمال کنترل رسمی بر این جریان به دست گرفتند. طبیعتاً سیستم تلفنی قدیمی روسیه مستلزم این بود که گروه‌های عمل‌کننده به منظور برقراری تماس در سطح بین‌المللی، با مشکل روبه‌رو شوند. با این حال شبکه‌های ارتباطی A.P.C مسیرهای دیگری را برای جریان اطلاعات پیدا کردند. در حالی که ارتباط معمول با مسکو اغلب از طریق خطوط تلفنی بین‌المللی برقرار می‌شد، A.P.C حربه‌هایی را به کار برد که این ارتباط به طور غیرمستقیم و پیچ در پیچ برقرار شد؛ مثلاً به جای ارتباطات تلفنی، از شبکه‌های کامپیوتری شخصی بویژه شبکه‌هایی که در مسکو و لنینگراد مستقر بودند استفاده می‌شد. این پیامها که از طریق تلفن محلی و با بهره‌گیری از کامپیوترهای شخصی به دولتهای بالتیک مخابره می‌شد، از آنجا به شبکه NordNet (شبکه شمال اروپا) که در سوئد و سپس GreenNet در لندن، که مستقیماً با A.P.C در تماس بود، ارسال می‌شد.

در سالهای اخیر A.P.C نقش مهمی را در فراهم ساختن خدمات ارتباطاتی و اطلاعاتی برای طرفداران محیط زیست، سازمانهای غیردولتی و بویژه برگزاری کنفرانس سازمان ملل در باب محیط زیست (UNCED) در ریودوژانیرو برزیل ایفا کرده است. اولین کنفرانس سازمان ملل در باب محیط زیست در سال ۱۹۷۲ در استکهلم تشکیل شد. این کنفرانس اولین نشستی بود که در آن سازمانهای غیردولتی در سطح وسیعی شرکت کردند و از تکنولوژیهای کامپیوتری بهره بردند.

A.P.C حدود ۳۰ کنفرانس الکترونیکی در خصوص اسناد کنفرانس سازمان ملل در باب محیط زیست، دستور کار، گزارشها، مباحث و مناظرات مربوط به آن برگزار کرده

است. این خدمات کمک‌رسانی، به شهروندان سراسر جهان کمک کرد تا به اسناد سازمان ملل در باب محیط زیست و توسعه دسترسی پیدا کرده، مشارکت شهروندان را در این امور امکانپذیر سازد. شبکه‌های برزیلی A.P.C موسوم به AlterNet در هنگام برگزاری اجلاس ریو خدمات ارتباطاتی و اطلاعاتی زیادی را در اختیار NGO ها قرار داد.

در اطراف و اکناف جهان سایر شبکه‌های اپک در خصوص مسائل مربوط به صلح، عدالت اجتماعی و محیط زیست فعال هستند. در استرالیا اعضای شبکه Pegasus نقش مهمی در قدرت‌گیری حزب سبزها داشته است. در ایالات متحده شبکه EcoNet نقش مهمی در بسیج دانش‌آموزان و دانشجویان برای افزایش کیفیت آب رودخانه‌ها ایفا کرده است. در آلمان هنگامی که گروه‌های نازیسم به آزار و اذیت خارجی‌ها مبادرت می‌ورزند، اخبار و اطلاعات آن توسط شبکه کامپیوتری آلمان موسوم به G.C.N به A.P.C ارسال می‌شود. خلاصه اینکه روزانه ده‌ها هزار پیام از سراسر جهان به A.P.C ارسال، و از A.P.C به سراسر جهان فرستاده می‌شود.

شبکه‌های مشترک انجمن ارتباطات پیشرفته A.P.C مجموعه‌ای از شبکه‌های جهانی را به وجود آورده که جریان متوازن و آزاد اطلاعات را میسر ساخته است. منشور A.P.C، حفظ صلح، جلوگیری از جنگ، منع نظامی‌گری، حفظ محیط زیست، رعایت حقوق بشر، عدالت اجتماعی و اقتصادی، فقرزدایی، توسعه پایدار و متوازن، ارتقای دموکراسی و نفی خشونت را در اولویت اصلی دستور کار خود قرار داده است. شبکه‌های A.P.C در تلاش است تا به انحصار اطلاعاتی پایان دهد و یک ساختار اطلاع‌رسانی واقعاً بدیل را برای چالش‌هایی ایجاد کند که پیش روی ما قرار دارند. A.P.C با فراهم کردن راه حلی مناسب و کم هزینه برای سازمانهای غیردولتی و کشورهای فقیر در صدد مدنی‌سازی و دموکراتیک کردن ایستگاه‌های الکترونیکی ارتباطات و اطلاعات است.

ما به سوی نظم جهانی جدیدی در حرکتیم. عصر دموکراسی ممکن است آغازش به

انقلاب فرانسه و آمریکا برگردد اما فقط امروز به مرحله‌ای رسیده‌ایم که قلبها و ذهنهای مردم سراسر جهان کاملاً به هم نزدیک شده است. این نظم جهانی برتر و ممتاز (Preferred World Order) مبتنی بر تغییر دمکراتیک، شدیداً به کارایی سیستم ارتباطاتی و اطلاعاتی وابسته است. شاید پایاترین تأثیر شبکه‌های A.P.C، ارتقا یافتن این شبکه‌ها از سطح پدیده موهوم و خیالی به نام افکار عمومی به پدیده‌ای واقعی، عینی و تأثیرگذار بر رویدادهای بین‌المللی و جهانی است. یکی از شیوه‌هایی که می‌توانیم استیلای جامعه مدنی (سازمانهای غیردولتی) جهانی را بر اساس تجمع شواهدی در باب افکار عمومی جهانی مورد آزمون قرار دهیم، همگرایی و نزدیکی جهانی جوامع مدنی ملی است که با یکدیگر تعامل و ارتباط پیدا کرده‌اند. گزارش مک‌براید (Mac Bride) نشان می‌دهد که افکار عمومی جهانی هنوز در پروسه شکل‌گیری و بنابر این شکننده و ناهمگون قرار دارد و بسادگی مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد.

هرچه قدر رو به جلو حرکت می‌کنیم و سالهای اولیه هزاره سوم را پست سر می‌گذاریم، تکنولوژیهای ارتباطاتی همچون شبکه‌های انجمن ارتباطات پیشرفته A.P.C بیشتر در دگرگون‌سازی روابط بین‌الملل ایفای نقش می‌کنند. آنها شدیداً جامعه مدنی جهانی و جنبش NGOها را فعال و تقویت کرده‌اند و جهان را به سوی دمکراتیزه شدن و تمرکززدایی در زمینه ارتباطات و اطلاعات پیش می‌برند.

بخش سوم: نقش سازمانهای غیردولتی در دمکراتیزه کردن نهادهای بین‌المللی

پس از دهه ۱۹۸۰، سازمانهای غیردولتی به عنوان بازیگری مهم در صحنه جهانی برای دمکراتیزه کردن فرایندهای تصمیم‌گیری سر برآورده‌اند. این مهم تا حد زیادی مدیون دگرگونیهای نهادی است که در چارچوب جهانی شدن حادث شده است. همانگونه که در مباحث قبلی گفته شد، اگرچه NGOها اخیراً وارد سیستم در حال

تکامل اداره امور جهانی شده‌اند، در حال حاضر شیوه‌هایی را پیدا کرده‌اند که نفوذ آنها را در تصمیم‌گیری بین‌المللی افزایش داده است. در ذیل به نقش سازمانهای غیردولتی برای دمکراتیزه کردن بعضی از نهادهای بین‌المللی پرداخته‌ایم:

بهره اول: تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری در سازمان ملل و کنفرانسهای بین‌المللی

سازمانهای غیردولتی آشکارا در تعیین دستور کار سازمان ملل و کنفرانسهای بین‌المللی نقش مهمی ایفا می‌کنند. شناسایی و طرح مسائل و موضوعات مورد بحث اغلب از سوی سازمانهای غیردولتی آغاز می‌شود. سازمانهای غیردولتی مسائل مهم و مبتلا به جامعه خود و جهانی را فهرست می‌کند و آن را در اختیار دبیرخانه سازمان ملل یا کنفرانسهای بین‌المللی قرار می‌دهد. دبیرخانه سازمان ملل یا کنفرانسهای بین‌المللی این اسناد را به منظور اطلاع دولتها و کسب نظر آنها در اختیار دولتها قرار می‌دهد. دولتها ممکن است پیش از تشکیل اجلاس سازمان ملل و یا قبل از برگزاری کنفرانسهای بین‌المللی، نظر خود را کتبی، مطرح و یا مستقیماً دیدگاه خود را در پشت تریبون اجلاس یا کنفرانس ارائه دهند. روال معمول این است که کشورها نظریات خود را در مورد مسائل مطرح شده به صورت کتبی اعلام می‌کنند. آنگاه دبیرخانه سازمان ملل یا کنفرانسهای بین‌المللی از نو این نظریات را طبقه‌بندی می‌کند و در کمیته‌های مقدماتی مطرح می‌سازد. کمیته‌های مقدماتی این امکان را به نمایندگان دولتها می‌دهد تا از طریق مذاکره آزاد، درباره مسائل مورد بحث به اتفاق نظر برسند. در همین کمیته‌های مقدماتی نیز نمایندگان سازمانهای غیردولتی حضور دارند و لذا فرصت مناسبی برای آنهاست تا در این کمیته‌های مقدماتی نظریات خود را مطرح سازند. نتیجه نهایی مباحث کمیته‌های مقدماتی به صورت قطعنامه‌های پایانی اجلاس یا کنفرانسها درمی‌آید که معمولاً توصیه‌هایی را به دولتهای ملی شامل می‌شود. سرنوشت قطعنامه‌ها از این پس برعهده دولتهای ملی است؛ چراکه آنها عوامل اجرای موافقتنامه‌های بین‌المللی هستند. در اینجا

هم البته سازمانهای غیردولتی می‌توانند نقش نظارتی و پیگیری اجرای مصوبات را ایفا کنند.

برخی از سازمانهای غیردولتی توانسته‌اند با موفقیت چشمگیری عمل کنند؛ به عنوان مثال برخی از موضوعات کنفرانسهای اخیر در سطح بین‌المللی از جمله حقوق زنان، محیط زیست، توسعه اجتماعی، جمعیت و امنیت غذایی ابتدائاً توسط سازمانهای غیردولتی مطرح شد. مباحث سازمان ملل در زمینه حقوق زنان، مثال بسیار خوبی است. سازمان توسعه و محیط زیست زنان (WEDO) الگوی قدرتمند و عملی خوبی برای سایر سازمانهای غیردولتی به‌منظور لابی کردن در داخل سازمان ملل است. این سازمان به همراه گروه پیوند زنان (Womens Linkage) با دقت فهرستی از تعهدات پیشین سازمان ملل را نسبت به زنان تهیه کرد که شامل موضوعاتی همچون اقتصاد، بهداشت، حقوق جنسیت، نژاد و قومیت، حقوق بشر و محیط زیست می‌شد. در جریان مجمع سازمانهای غیردولتی زنان در پکن، (WEDO) به صورت حلقه‌ای ارتباطی دو فاکتو میان دولت‌ها و سایر سازمانهای غیردولتی عمل کرد و لذا با طرح مسائل مبتلا به زنان در کنفرانس، به طرز بی‌سابقه‌ای بر متون و قطعنامه‌های تصویبی تأثیر گذاشت.

بهره دوم: سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)

OECD در جزواتی که منتشر کرده است اذعان می‌دارد که این سازمان گروهی تحقیقاتی، سازمانی نظارتی، باشگاه ثروتمندان، دانشگاهی غیرآکادمیک و محلی برای حرف زدن است. اعضای این سازمان شامل ۷ کشور قدرتمند اقتصادی و ۲۰ کشور صنعتی و توسعه‌یافته در اروپا، آمریکای شمالی، آمریکای لاتین و آسیا هستند. به‌طور تاریخی، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی از کمیته‌های مشورتی دائمی متشکل از اتحادیه‌های کارگری و بخش تجاری مشورت گرفته است. در سال ۱۹۹۵ برای نخستین بار از گروه‌های زیست محیطی خواسته شد بیانیه زیست محیطی مشترکی به‌منظور ارائه به سازمانهای حفاظت محیط زیست و وزیران محیط زیست، که هر پنج سال تشکیل

جلسه می‌دهد، تهیه و تنظیم شود. گروه‌های زیست محیطی با همکاری دفتر محیط زیست اروپا چندین توصیه اساسی از جمله انتقاد به سازمان تجارت جهانی و کاربرد عبارت «سازمان تجارت‌مدار» در مباحث زیست محیطی به عمل آوردند. بعلاوه، در بیانیه صادرشده از سوی این گروه‌ها به مسائلی همچون عدم اجرای موافقتنامه‌های موجود، عرصه‌های جدید برای قرار گرفتن در دستور کار زیست محیطی جهانی، برقراری ارتباط میان عدالت اجتماعی و محیط زیست و بهبود فرایند عمومی به‌منظور توسعه پایدار جهانی از جمله دسترسی بیشتر سازمانهای غیردولتی زیست محیطی به نهادهای تصمیم‌گیری اشاره شد. همچنین به شورای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی توصیه شده است یک کمیته مشورتی غیردولتی دائمی در زمینه محیط زیست تشکیل شود. این نهاد می‌تواند همزمان با تقویت نقش سازمانهای غیردولتی در سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، جایگاه مسائل زیست محیطی را در سازمانی که بیشتر به تجارت، امور مالی و توسعه اقتصادی می‌پردازد، ارتقا دهد.

بهره سوم: بانک جهانی

هم سازمانهای غیردولتی و هم بسیاری از رهبران سیاسی کشورها بر تصمیم‌گیری نظام مالی جهانی تأثیر مستقیم اندکی دارند. با این حال برخی نهادهای مالی بین‌المللی از جمله بانک جهانی سعی کرده‌اند تحت فشار سازمانهای غیردولتی، تا حدی درهای تصمیم‌گیری خود را بر روی این سازمانها باز کنند. دسترسی سازمانهای غیردولتی به بانک جهانی با ایجاد مرکز اطلاع‌رسانی عمومی و قابل دسترسی کردن برخی اسناد بر روی اینترنت بهبود یافته است. اکنون بانک جهانی، سازمانهای غیردولتی عملیاتی را بیشتر در اجرای طرحها و ارزیابی طرحهای بانک سهیم می‌کند. البته در برخی حوزه‌ها، بانک جهانی باب مذاکره را با سازمانهای غیردولتی در مورد بعضی از سیاستهای خود گشوده است.

آغاز عصر جدید همکاری بانک جهانی با سازمانهای غیردولتی تا حد زیادی ناشی

از نیاز به اجرای مؤثرتر طرحهای بانک جهانی است. البته این تنها علت همکاری نیست. جان کلارک که در بانک جهانی در مورد موضوع سازمانهای غیردولتی کار می‌کند، بین استفاده‌های متعارف از سازمانهای غیردولتی به عنوان تأمین‌کنندگان خدمات یا مجریان طرحهای توسعه با سازمانهای غیردولتی که «تقاضا محور» هستند تمایز قائل شده است. براساس این دیدگاه، نقش سازمانهای غیردولتی این است که در فرایند توسعه به طور فعال مشارکت کنند و نقش بانک جهانی این است که این امر را میسر سازد.

در نتیجه تلفیق تدریجاً روزافزون سازمانهای غیردولتی در طرحهای بانک جهانی، تقریباً نیمی از تمام طرحهای بانک جهانی در سال ۱۹۹۴ توسط سازمانهای غیردولتی به اجرا درآمد. اکنون بانک جهانی، سازمانهای غیردولتی را به عنوان تأمین‌کنندگان خدمات، جایی که دولت بسیار ضعیف، یا دارای اقتدار اندکی است بلکه آنها را جزئی جدایی‌ناپذیر در رسیدن مؤثر به اهداف توسعه می‌داند؛ به عنوان مثال، در طرح زیست محیطی و اسکان زمین در ایالت صباح مالزی، صندوق جهانی طبیعت (مالزی) و سایر سازمانهای غیردولتی با سازمان توسعه زمین فدرال همکاری کردند تا زمینه تلاشهای آینده را به منظور حفظ و طراحی منابع طبیعی فراهم آورند. در فیلیپین نیز سازمان غیردولتی PANLipi به صورت مقاطعه کاری به خدمت گرفته شد تا آثار احتمالی یک طرح حفظ جنگل را بر گروه‌های قبیله‌ای شناسایی کند.

بهره چهارم: سازمان تجارت جهانی

برخلاف سازمان ملل، کنفرانسهای بین‌المللی و بانک جهانی که درهای آنها بر روی سازمانهای غیردولتی باز یا نیمه‌باز است، بعضی از سازمانها مثل سازمان تجارت جهانی در هایش بر روی سازمانهای غیردولتی بسته است؛ به عبارت دیگر فرایندهای مشارکت که در محیطی دمکراتیک فعال است در سازمان تجارت جهانی غایب است. خطوط کلی دستور کارهای جدید تجاری نوعاً در جلسات غیررسمی و بسته بین گروه‌های کوچک وزیران کشورهای شمال، دانشگاهیان و مشاوران مشخص می‌شود. تعیین استانداردهای

تجارت نیز در جریان «مشاوره‌های اتاق سبز» (Green Room Consultations) مورد بحث قرار می‌گیرد؛ یعنی نوعی فرایند رایزنی که شرکت‌کنندگان آن باید رسماً دعوت شوند. فرد دعوت‌شونده باید در حد سفیر باشد و از آنجا که کشورهای توسعه‌یافته افراد بیشتری در این سطح دارند، شمال از مشارکت بیشتری در فرایند تصمیم‌گیری سازمان تجارت جهانی برخوردار است. مسأله این است که تعیین استانداردها براساس اثر تجاری آنها و شواهد علمی تعیین می‌شوند و لذا توجه به ارزشهای اجتماعی، توسعه، زنان یا مسائل جهان سوم مورد توجه قرار نمی‌گیرد. این در حالی است که دقیقاً همین مسائل، مورد توجه سازمانهای غیردولتی است. این مسأله چالشهای تازه‌ای را فرا روی سازمانهای غیردولتی قرار داده است؛ مثلاً بحثهای جاری در سازمان تجارت جهانی در زمینه موافقتنامه چندجانبه‌ای راجع به سرمایه‌گذاری (MAI) حقوق و امتیازات بنگاه‌های اقتصادی را به گونه‌ای چشمگیر افزایش می‌دهد. بر این اساس سازمان تجارت جهانی، حیظه فعالیت خود را از یک سازمان تجاری به سازمانی گسترش می‌دهد که بر سرمایه‌گذاری نیز مقررات وضع می‌کند. این موافقتنامه ممکن است شرکتها را از بسیاری محدودیتهای قانونی ملی رها بخشد و بدین ترتیب توانایی دولتها و سازمانهای غیردولتی را برای نمایندگی مشروع منافع خود کاهش دهد. به همین دلیل، برخی از سازمانهای غیردولتی، میزان دمکراسی را در نظام سازمان تجارت جهانی زیر سؤال برده است.

در نتیجه فشارهایی که از سوی سازمانهای غیردولتی بر سازمان تجارت جهانی وارد شد، در ماه جولای ۱۹۹۶، سازمان تجارت جهانی، اصول راهنمایی ترتیبات برقراری ارتباطات با سازمانهای غیردولتی را منتشر کرد که براساس آن سازمانهای غیردولتی به عنوان «منبعی ارزشمند» در ارتباط با مذاکرات تجاری به رسمیت شناخته شد. در این اصول راهنما آمده است: برای سازمانهای غیردولتی ممکن نیست که مستقیماً در فعالیت سازمان تجارت جهانی یا جاسات آن شرکت کنند. ظاهراً این ممنوعیت به علت ماهیت حساس سیاسی مذاکرات چندجانبه تجاری است. در این اصول راهنما فقط مبادله

اطلاعات و مذاکره غیررسمی بین سازمانهای غیردولتی و دبیرخانه سازمان تجارت جهانی پیشنهاد شده است. در پی این مقاومت سازمان تجارت جهانی، گروهی از سازمانهای غیردولتی برای کوبیدن بر در سازمان تجارت جهانی «مرکز بین المللی تجارت و توسعه پایدار» را تأسیس کردند. این مرکز که مقر آن در ژنو است بر کار سازمان تجارت جهانی و برخی دیگر از سازمانهای بین المللی نظارت می کند و هدف آن تقویت شفافیت مذاکرات تجاری بین المللی از طریق اطلاع رسانی درباره این مذاکرات به سازمانهای غیردولتی و سایر گروه هاست.

بهره پنجم: سازمان بین المللی استاندارد (ایزو)

ایزو فدراسیونی متشکل از دستگاه های استاندارد ملی است که در سال ۱۹۴۷ تأسیس شد و هدف آن ترویج استانداردهای محصولات، فرایندها و خدمات در سطح جهان به منظور تسهیل مبادلات بین المللی است. براساس رژیم تجاری جدید، که با تصمیم سازمان تجارت جهانی تأسیس شده است این قبیل ابتکارات در حقوق تجارت بین الملل دارای جایگاه خاص خود خواهد بود و این امر پیامدهای مهمی بر سیاست عمومی دارد. چه بسا این استانداردها به نسبت موافقتنامه های بین المللی، که از طریق فرایند سازمان ملل و با مشارکت قوی بخش عمومی به دست می آید، بقا و دوام بیشتری داشته باشد.

فرایند ایزو، سازمانهای غیردولتی را به دو علت محدود می کند: اول اینکه هزینه مسافرت به محل های بیشمار مذاکرات زیاد است و دوم اینکه اعضای رأی دهنده در وهله اول در برابر گروه ها و منافع تجاری پاسخگو هستند و نه دولتها و یا سازمانهای غیردولتی؛ به عبارت دیگر ایزو مثل ایزو ۱۴۰۰۰، استانداردهای زیست محیطی بین المللی (پروتکل مونترال، کنوانسیون بال، دستور کار ۲۱ و...) را که هر کدام با مشارکت چشمگیر سازمانهای غیردولتی تدوین شده است، نادیده می گیرد.

فرایند ایزو به گونه ای است که نه تنها دسترسی سازمانهای غیردولتی بلکه دسترسی

بسیاری از کشورهای در حال توسعه را محدود می‌کند؛ مثلاً بخشهای اولیه در مورد سلسله استانداردهای ایزو ۱۴۰۰۰ مشارکت کشورهای در حال توسعه را تشویق نمی‌کرد؛ هرچند این امر با گذشت زمان تغییر کرد. بیشتر کشورهای در حال توسعه‌ای که در سلسله استانداردهای ایزو ۱۴۰۰۰ مشارکت داشتند پس از اینکه پیش‌نویس این متون توسط کشورهای صنعتی عملاً به پایان رسید، موفق به شرکت و تأثیرگذاری اندک شدند. حتی هنگام تصویب پیش‌نویس استاندارد اصلی بین‌المللی ایزو ۱۴۰۰۱ در مورد سیستمهای مدیریت محیط زیست (EMS)، نقش کشورهای در حال توسعه اندک بود و ۸۰٪ از شرکت‌کنندگان را کشورهای توسعه یافته تشکیل می‌دادند، فقط ۶٪ کشورهای آفریقایی، ۱۳٪ کشورهای آمریکای لاتین یا کارائیب و ۲۰٪ کشورهای آسیایی در این اجلاس حضور داشتند. کشورهای در حال توسعه و سازمانهای غیردولتی کمترین تأثیر را در تدوین متن نهایی داشتند. ریاست هیچ کدام از کمیته‌های گروه کاری و کمیته‌های هدایت سلسله استانداردهای ایزو ۱۴۰۰۱ از کشورهای در حال توسعه یا سازمانهای غیردولتی نبود.

بهره ششم: شرکتهای فراملیتی انسانی و مطالعات فرهنگی

هم اینک خوش‌بینی تازه‌ای در مورد نقش سازمانهای غیردولتی به‌عنوان عامل تغییر دمکراتیک در جهان وجود دارد. مواضع آینده‌نگرانه‌ای را که برخی رهبران و رؤسای سازمان ملل، بانک جهانی و شرکتهای فراملیتی اتخاذ کرده‌اند باید در چهارچوبی گسترده‌تر درک کرد؛ بیشتر نهادهای مالی و تجاری جهان در برابر فرایندهای دمکراتیک به قدر کافی پاسخگو نیستند و در بسیاری موارد در مقابل فشارهای سازمانهای غیردولتی (جامعه مدنی) نفوذناپذیرند.

شرکتهای فراملیتی مکرراً با سازمانهای جامعه مدنی تضاد پیدا می‌کنند. بعضی از آنها به دلیل اندازه و اقدامات خود، به‌صورت اهداف آشکار سازمانهای جامعه مدنی درآمده‌اند؛ مثلاً شهروندان براحتی می‌توانند بین اقدام و عمل یک شرکت تابعه در

کشور در حال توسعه و مسئولیت شرکت اصلی در کشور مادر ارتباط برقرار کنند. درخواستهای زیادی به منظور ایجاد استانداردهای جهانی برای اعمال و اقدامات شرکتهای فراملیتی و نیز تبعیت آنها از استانداردهای یکسان در خارج و داخل کشورها به عمل آمده است.

در بسیاری از گردهماییهای بین‌المللی سازمانهای غیردولتی موضوعی اتخاذ شده است که در تقابل با گروهی از شرکتهای فراملیتی یا اقدامات بخش معینی از جامعه تجاری بین‌المللی قرار دارد. «اعلامیه جایگزین کپنهاک» از تجمع قدرت اقتصادی و سیاسی تعداد اندکی از شرکتهای فراملیتی و نهادهای مالی بر منابع مواد غذایی و دیگر مواد حیاتی بشدت انتقاد کرد.

در این بیانیه، سازمانهای غیردولتی خطاب به سازمان همکاری و توسعه اقتصادی آورده‌اند که خواهان تدوین قوانین و مقرراتی برای نظارت بر رفتار زیست محیطی شرکتهای فراملیتی و مجازات مدنی هستند. سازمانهای غیردولتی از بسته شدن و تعطیلی مرکز شرکتهای فراملیتی در سازمان ملل در سال ۱۹۹۳ بشدت انتقاد کردند و خواستار بررسی جدی و برخورد با سیطره جهانی شرکتهای فراملیتی شدند. عموماً فعالیت شرکتهای فراملیتی در مواردی که موجب تأثیرگذاری بر اوضاع اقلیمی زمین می‌شود، به لایه اوزن صدمه می‌زند و کمیت و کیفیت جنگلهای مناطق استوایی را دستخوش تغییر می‌کند بشدت مورد انتقاد سازمانهای غیردولتی قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

سازمانهای غیردولتی که در راه ورود به نهادهای جدید و حیاتی حاکمیت جهانی به در بسته می‌خورند، با توجه به حسن اقتدار اخلاقی و قوی که دارند، احتمالاً در آینده ضربات محکمتری بر این دروازه‌ها خواهند کوبید و در مقابل فشارهای موجود، براحتی راه خود را کج نخواهند کرد و عقب‌نشینی نمی‌کنند. حتی اگر در باز شود آنان می‌خواهند مطمئن شوند که دروازه‌بان، ورود را براساس شروط یکطرفه مسدود و

محدود نخواهد کرد.

عدم دسترسی رسمی به دستگاه‌های تصمیم‌گیری اصلی جهان، موانعی را بر سر راه سازمانهای جامعه مدنی پدید می‌آورد. در پاسخ به این مشکل، ابزارهای متعارف آموزش و ترغیب هنوز وجه غالب را دارد. رسانه‌های چاپی و الکترونیکی، گردهماییها و تشکیل شبکه‌ها هنوز بطور فعال برای پیشبرد دستورکار مورد استفاده قرار می‌گیرد و ابزارهای مؤثری است. در صورتی که این ابزارها در تغییر افکار تصمیم‌گیرندگان مؤثر نباشد، چه بسا مبارزات خلاقانه یا همراه با رویارویی در پیش گرفته شود.

واکنش سازمانهای جامعه مدنی به مشکل دسترسی و تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیریهایی بین‌المللی هنوز در مراحل اولیه قرار دارد. این سازمانها از درسهایی که در خلال دسترسی به سازمان ملل کسب کرده‌اند و نیز استفاده از فناوریهای جدید در برقراری ارتباطات و سازماندهی بهره می‌جویند. پدیده تلاش سازمانهای غیردولتی برای تأثیرگذاری و دسترسی به حاکمیت جهانی نشان می‌دهد که آنها مسئولیت پیدا کرده‌اند بدون اینکه از قدرت برخوردار باشند. اقتدار آنها اخلاقی است و نه قانونی. عجیب این است که رشد نفوذ بی‌سابقه سازمانهای غیردولتی دقیقاً زمانی حادث شده است که قدرت و نقش سازمان ملل در مقابل قدرت و نقش شرکتهای فراملیتی و دولتها رو به افول است. از این رو رشد جامعه مدنی می‌تواند کمکی به سازمان ملل نیز به شمار آید.

یادداشتها

1- John Baylis and Steve Smith, *The Globalization of World Politics*, Oxford University Press 1997, P.305.

2- Ibid, p.306.

3- http://www.corpwach.org/trac/feature/planet/gr_twn.html.

4- Ben Bagdikian, "The Lord of the Global Village", *The Nation*, June 12, 1998, p.807.

5- "Vs International Communication and Information Policy", *Gist* (Department of State), December, 1998. p.1.

6- Mcheroo Jussawalla, "Can We Apply New Trade Rules To Information Trade?" in *International Information Economy Handbook*, Ed. G. Russle Pip and Chris Brown (spring Field,

VA: Transnational Data Reporting Service, 1985), p.11.

7- Howard, H. Frederick, Global Communication and International Relations (Pacific Grove, CA: Brooks-Cole, 1998), Chapter on "The Dimensions of Global Communication."

8- Global Civil Society, Peace Studies Association, Boulder, CO. February 28, 1992. By: Howard H. Fredrick. p.6

۹- شبکه جهانی اینترنت: A.P.C. Network Topology

10- John S. Quarterman, The Matrix: Computer Network and Conferencing Systems World Wide Web Ford, MA: Digital Press, 1990) pp. XX111-XXIV.

11- Peace studies Association. Howard H. Fredrick. p.9.

12- Martha Alter Chen, "Engendering World Conference: The International Women's Movement and the United Nations", in Thomas Weiss and Leon Gordenker (eds.) Non governmental Organizations, The United Nations and Global Governance, Op.cit., pp.477-93

13- OECD, The OECD, OECD Press Division, Paris, 1996, P.3.

14- John Clark, "The State, Popular Participation and a Voluntary Sector," World Development, Vol.23 No.4, 1995, pp.593-601.

15- Martin Kohr, Counterin the North New Trade Agenda, Third World Network Report 78, November 1995.

16- WEDO, Who Make the Rules? Decision and Structure of New World Trade Organization. Printer No. 3, New York, 1995.

17- WTO, Guideline For Arrangements and Relations with Non-Governmental Organizations, Geneva, July 1996. WT, L /162.

18- The Numbers Omit a Small Percentage from Central and Eastern Europe. Details from UNCTAD, ISO 14000: International Environmental Management Systems. Five Key Questions for Developing Country officials, Draft for Comments, UNCTAD, Geneva, 1996.

19- The Copenhagen Alternative Declaration. Copenhagen, & March 1995.





شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی